

امام خمینی در قلمرو پژوهش و نگارش

□ غلامرضا گلی زواره

دستورهای الهی شد و به آموخته‌های خود جامعه عمل پوشاند. کسانی که با امام و تألیفاتش آشنايند، می‌دانند که بین نوشتار، گفتار و کردار امام هماهنگی کامل وجود داشت.

چون ایشان به باطن پرداخت و کاوش در زوایای پنهان و آشکار روح را آغاز کرد، به وادی حکمت، برهان و عرفان گام نهاد؛ و سرانجام، میان ظاهر و باطن آشنایی پدید آورد، و در این راه دست به نگارش آثاری گرانسنگ زد. همراه با این حرکت علمی، حقایق ربّانی و اخلاق معنوی را متناسب با فهم عامه مردم عرضه کرد و سلسله دروس اخلاق را برپا داشت. امام در نگارش نیز از نثری رسا و شیوا برخوردار بود. همچنین در تحریر مطالب علمی، به همه ابعاد مسئله مورد بحث توجه داشت؛ به گونه‌ای که خواننده هنگام پایان یافتن مطالعه آثار ایشان، هیچ نکته مبهم و تاریکی برایش باقی نمی‌ماند. در حواشی‌ای هم که بر دیگر آثار می‌نوشتند، هم ابهامات را بر طرف می‌نمودند و هم موضوعاتی را که مؤلف بدان نپرداخته بود، یادآوری می‌کردند.

حجت‌الاسلام حسن ثقفی می‌گوید: «امام یکی از کتابهای خود را که در زمینه حکمت و عرفان و حاوی مطالب مشکلی بود و بر آن با خط ریزی حواشی نوشته بودند، به من دادند تا آن را پاک‌کنویس کنم. این کتاب را امام در سال ۱۳۵۰ ق نوشته بودند که با دیدن آن واقعاً بر ارادتم به ایشان افزوده شد. با آن‌که در سنین جوانی به نگارش درآورده بودند، انسان احساس می‌کرد حکیمی با ذوق و دانشور در سنین پایانی عمر خویش تألیف کرده است. نکات ظریف

اشاره:

نامیده شدن سال جاری به نام امام خمینی - قدس سره - مجله میراث شهاب را بر آن داشت که دو مقاله را در پاسداشت شخصیت امام خمینی به چاپ رساند. مقاله نخست با عنوان «دو یار دیرین» مورد استقبال ارباب نظر قرار گرفت و مقاله حاضر نیز امید است در نظر آید.

حضرت امام خمینی علیه السلام به دلیل تواناییهای علمی و فکری و صفای نفس، توانست دانسته‌های خویش را در سه عرصه به شیفتگان معارف دینی و تشنگان حقایق ناب تقدیم کند: ۱. تدریس علوم چون فقه، اصول، حکمت و عرفان؛ ۲. مطرح نمودن مطالبی شیوا و شیرین که همگان قادر بودند مضامین آنها را بفهمند و در زندگی خویش به کار بندند؛ چنان‌که در سخنرانیهای خود اندیشه‌های اجتماعی، سیاسی و عرفانی را به روشترین شیوه بیان می‌کرد؛ ۳. در مقام نگارش نیز استعداد خارق‌العاده‌ای داشت؛ و در تحریر مطالب به زبان فارسی و عربی چیره دست بود.

امام با پیروی از دستور قرآنی «و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة»، نخست خود را مهذب ساخت؛ و سپس به مسائل علمی پرداخت. ایشان با شناخت کامل خدا و خود، عامل اجرای

و لطیف آن اعجاب خواننده را بر می‌انگیخت. به عنوان نمونه، صاحب کتاب، روایتی را به شکلی که نفع طایفه خودش در آن بود، معنا کرده بود، و در ظاهر امر تصور نمی‌شد که معنای دیگری هم دارد، ولی امام با بیانی زیبا و در چند خط کوتاه آن را توضیح داده بودند؛ و این برنامه از استعداد ایشان در مسائل علمی و ذوقشان حکایت داشت؛ و امتیازی است که تنها خداوند به بندگان پسندیده‌اش عطا می‌کند.^۱

امام هنوز به سی سالگی نرسیده بودند که کتابهایی نفیس و گرانبه در قلمرو عرفان تألیف کردند، که در برخی از آنها پیچیده‌ترین موضوعات عرفانی را به نقد کشیده‌اند. حجت‌الاسلام محمدحسن رحیمیان می‌گوید: «چون از تعلیقات بر فصوص و نیز مصباح‌الانس تنها یک نسخه وجود داشت، به منظور بالا بردن ضریب اطمینان برای نگهداری آنها، به پیشنهاد حاج احمد آقا، مشغول استنساخ این آثار شدم. ضمن این کار و مراجعات مکرر به محضر امام در مورد آن، متوجه شدم به رغم گذشت نزدیک به شصت سال از زمان تألیف مزبور و پویایی مداوم و متصاعد حضرتشان در تمام زمینه‌های علمی و معنوی، همچنان به دریافتهای علمی‌شان در آن زمان پابرجا و استوار بودند؛ به طوری که گویی در همان اول خط به آخر خط رسیده بودند، در حالی که معمولاً افراد هنگامی که در بسیاری از علوم به نتیجه‌ای می‌رسند، اگر حول همان موضوع و در مسیر همان مطلب به تحقیق خود ادامه دهند، چه بسا نسبت به دریافت قبلی به تجدیدنظر و اصلاح و حتی به خلاف آن برسند. نکته دیگر آن که در دهها موردی که در طی بازنویسی از محضرشان سؤال کردم، گویی لحظه‌ای قبل قلمشان را از تحریر مطالب مورد نظر بر زمین نهاده‌اند و در همان لحظه بدون درنگ جواب می‌دادند، که این نشانه حضور ذهن و عدم فراموشی مطالب پس از گذشت شصت سال بود؛ به گونه‌ای که گویی تمام مفاهیم از کف دست برایشان روشنتر بود.»^۲

وی می‌افزاید: «حضرت امام با آن همه زحمت و تلاش در طی مدارج علمی در تمام زمینه‌ها، و آن همه نوشته‌های ارزشمند و کم‌نظیر، هیچ‌گونه دلبستگی و تعلق خاطری به آثار خود نداشتند؛ و در پرتو این زهد علمی و وارستگی، نه در هنگام به غارت رفتن گنجینه‌های نوشته‌هایشان به اندوه و ماتم نشستند، و نه در زمان یافتن آنها به سرور و شادمانی برخاستند، و نه هیچ‌گاه تمایلی به چاپ و انتشار آثارشان داشتند؛ و کمترین اقدام در این راه نمودند. آنچه هم چاپ و منتشر شده، یا با اصرار و اقدام دیگران بوده، یا چون بعضی از نوشته‌های ایشان به صورت مخطوط توسط شاگردانش از دیرزمان

نسخه‌برداری و تکثیر محدود شده بود، با همت برخی از آنان به زیور طبع آراسته شده است.»^۳

آیت‌الله توسلی می‌گوید: «روزی یکی از دوستان و شاگردان امام به بنده پیشنهاد کرد خدمت آقا بروم، بلکه موافقتشان را برای چاپ رساله به دست آورم. اول صبح بود که وارد بیرونی ایشان شدیم. امام روی زیلویی نشسته بودند. دوست بنده مطالبی راجع به این که جامعه امروز به وجود شما نیاز دارد بیان کردند. ایشان از کثرت علاقه و اعتقاد، عباراتی را بر زبان آوردند که شاید در آن غلوه بود. رنگ چهره مبارک امام یک مرتبه سرخ شد و فرمودند: خیر، این طور نیست که اسلام به من بستگی داشته باشد.»^۴

در دوران تبعید امام به نجف، که رژیم شاه برای تحقیر علمی ایشان در حوزه نجف زیاد فعالیت می‌کرد، امام هیچ اقدامی برای نشر آثار فقهی و اصولی خود، که سالها قبل در قم تألیف کرده بود، انجام نداد؛ آثاری که می‌توانست مرجعیت و موقعیت ایشان را در حوزه نجف تثبیت کند. هیچ وقت به آثار علمی خود نبالید و به رخ دیگران نکشید؛ در حالی که هر انسانی مایل است نوشته‌هایش زودتر انتشار یابد و دیگران از آنها استفاده کنند.

از وصیتنامه امام، که در تاریخ ۲۵ محرم ۱۳۹۸ (اندکی پس از شهادت آیت‌الله حاج سیدمصطفی) نوشته‌اند، برمی‌آید که ایشان به دلیل تأثیر فراوان مطالب اخلاقی بر روی مردم، بیش از دیگر آثار بر نشر آنها اصرار ورزیده‌اند:

«کتاب خطی این جانب را در صورت امکان طبع کنند؛ و اگر کسی خواست طبع کند، در اختیار او بگذارند؛ به طوری که ضایع نشود؛ خصوصاً کتاب [های] اخلاقی را.»^۵

پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز امام با در اختیار داشتن امکانات فراوان، شخصاً برای نشر آثار خود اقدامی نکرد.

«یک بار صحبت این شده بود که آثار دستنویس حضرت امام باید برای سالهای متمادی محفوظ بماند، زیرا سند سعادت این نظام اسلامی و امت مسلمان است. چون کاغذهای معمولی به مرور ایام از بین می‌روند، قرار بر این گردید که کاغذهای دست‌ساز ژاپنی تهیه شود، ولی از دفتر امام گفته شد: امام کمتر روی کاغذ سفید مطلبی می‌نویسند؛ و باید ما چیزی بنویسیم و بدویم خدمتشان تا در

۱. پایه‌های آفتاب، ۱/۱۴۶.

۲. در سایه آفتاب، ص ۶۶.

۳. همان، ص ۶۸.

۴. روزنامه اطلاعات، شماره ۲۱۷۵۳.

۵. وعده دیدار، ص ۷۸؛ آینده پژوهش، شماره ۵۸، ص ۸۳.

میراث شهاب

می‌کند، و سپس به ترجمه حدیث می‌پردازد. آن‌گاه کلمات اصلی و گاه غالب تعبیرات و کلمات آن را شرح و معنا می‌کند و به توضیح نکات لغوی و واژه‌های حدیث از کتب معتبر لغت می‌پردازد و در معنای حدیث، نکته‌ای را که در شرح حدیث سودمند است، یادآور می‌شود. پس از فراغ از شرح تعبیرات و اصطلاحات و تمهیدات لازم، به شرح متن می‌پردازد؛ و طی چند فصل و مقام و تنبیه و تمه شرح حدیث را به پایان می‌برد. نسخه‌ای از این کتاب در اختیار مرحوم آیت‌الله آخوند ملاعلی همدانی (متوفی ۱۳۹۸ ق) بوده که پس از پیروزی انقلاب اسلامی از روی آن مکرر به طبع رسیده است.^۶

۳. شرح حدیث جنود عقل و جهل: این کتاب آخرین تألیف حدیثی - اخلاقی امام است، زیرا بر حسب تاریخ نگارش و سایر قراین، پس از این اثر به کارهای فقهی و اصولی روی آورده‌اند. این اثر شرح حدیث معروف حضرت امام صادق علیه السلام درباره جنود عقل و جهل است؛ و در اوایل کتاب کافی ذکر شده است و امام ششم در آن ۷۵ جُند برای هر یک از عقل و جهل بر شمرده است. حضرت امام خمینی موفق نشده‌اند تمام حدیث را شرح کنند، بلکه علاوه بر مباحث کلی درباره عقل و جهل در ۲۵ مقصد، ۲۵ جُند از جنود عقل و جهل را شرح داده‌اند و تمه را به مجلدی دیگر وانهاده‌اند، که ظاهراً موفق به تألیف آن نشده‌اند. تاریخ پایان تألیف آن دوم رمضان ۱۳۶۳ در شهر محلات است.^۷ در این کتاب، که به انگیزه تربیت و تزکیه اخلاقی عموم مردم نوشته شده، بیشتر صبغه اخلاقی حدیث مدّنظر بوده، و از پرداختن به دقایق علمی - عرفانی احتراز شده است.

۴. التعلیقه علی الفوائد الرضویة: کتاب فوائد الرضویة نخستین شرح بر حدیث «رأس الجالوت» است، که عالم عارف، قاضی سعید قمی آن را تألیف کرده است.^۸ این حدیث احتجاج حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام با رأس الجالوت یهودی است، که در آثاری چون توحید صدوق، عیون اخبار الرضا، احتجاج طبرسی، بحار الانوار و مسند الرضا به آن اشاره شده است. امام خمینی در سال ۱۳۴۸ ق تعلیقه‌ای بر آن زده و به سال ۱۴۱۷ ق (۱۳۷۵ ش) به همت مؤسسه تنظیم و نشر

حاشیه‌اش مطلبی بنگارند. بسیاری از اشعار امام که انتشار یافته، در حاشیه برخی روزنامه‌ها درج گردیده است.^۱ اینک به معرفی اجمالی آثار حضرت امام می‌پردازیم:

الف) تفسیر و حدیث

۱. تفسیر سورة حمد: حضرت امام ضمن آن که قرآن را تفسیر پذیر می‌داند، بر آن است که مقصود واقعی از مفاهیم کتاب وحی را تنها معصوم می‌تواند درک کند. با این نگرش والا، امام کمتر به طور مستقل به نوشتن تفسیر قرآن مبادرت نموده‌اند، ولی به صورت پراکنده در بین نوشته‌ها و بیانات ایشان نکات تفسیری یافت می‌شود. امام خمینی در سالهای نخستین پیروزی انقلاب اسلامی تفسیر سورة حمد را در پنج جلسه بیان فرمودند که مکرر چاپ شده است. ایشان در کتاب سرالصلوة نیز سورة حمد و توحید را به اختصار و با اشارات عرفانی تفسیر نموده‌اند؛ و در کتاب آداب الصلوة این دو سوره و سورة قدر را مفصل تر تفسیر کرده‌اند. البته در نوشتار اخیر می‌خواسته‌اند مطالبی بنویسند که برای همگان مفید باشد، اما به فرموده خودشان در تفسیر سورة قدر مطالبی دیده می‌شود که تنها خواص می‌توانند از آنها استفاده کنند. در یک جلسه هم امام درباره سورة علق مطالبی بیان فرموده‌اند که به ضمیمه تفسیر سورة حمد چاپ شده است.^۲

۲. چهل حدیث (اربعین حدیث): در سالهای ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ ش، به دلیل اختناق رضاخانی، منبر و سخنرانی ممنوع بود. امام درس اخلاقی را آغاز کردند که تا بعد از سال ۱۳۲۰ هم ادامه داشت. بخشی از این مباحث اخلاقی را ایشان به رشته تحریر کشید که پایان نگارش آن سال ۱۳۱۸ ش / ۱۳۵۸ ق است.^۳ مضامین این کتاب، که در بیان حقایق روایات پیشوایان دین و سرشار از تذکرات اخلاقی و نکات عرفانی و حکمی است، تقریرات امام است؛ و در مدارس فیضیه و ملاصدق قم برای شاگردان خود ایراد فرموده بودند.^۴ اثر یادشده شرحی است بر ۳۲ حدیث اخلاقی و هفت حدیث اعتقادی که به زبان فارسی نگارش یافته و نویسنده در ابتدای کتاب یادآور شده است:

«این بنده بی‌بضاعت ضعیف مدتی بود با خود حدیث می‌کردم که چهل حدیث اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام [را] که در کتب معتبره... ثبت است، جمع آوری کرده و هر یک را به مناسبتی شرح کنم که با حال عامه مناسبتی داشته باشد؛ و از این جهت، آن را به زبان فارسی نگاشته که فارسی‌زبانان نیز از آن بهره‌ای گیرند...»^۵

مؤلف ابتدا حدیث را همراه سلسله سند آن از کتاب کافی نقل

۱. پایه‌های آفتاب، ۱۶۳/۱.

۲. کیهان اندیشه، شماره ۲۹؛ آینه پژوهش، شماره ۵۸، ص ۱۳۵.

۳. مجله حضور، شماره ۱۹، ص ۴۴.

۴. آینه پژوهش، شماره ۵۸، ص ۱۶۲-۱۶۳.

۵. امام خمینی، چهل حدیث، مقدمه.

۶. آینه پژوهش، شماره ۵۸، ص ۲۰۹.

۷. شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۴۲۹.

۸. ر. ک: کاروان علم و عرفان، از نگارنده.

آثار امام خمینی به چاپ رسیده است. افزون بر این تعلیقه، امام دو شرح مستقل دیگر بر این حدیث نوشته است که نویسنده کتاب آینه دانشوران تاریخ تألیف آن را ۱۳۴۸ ق می‌داند.^۱

۵. شرح دعای سحر: از حضرت امام رضا علیه السلام نقل شده که امام باقر علیه السلام این دعا را در سحرهای ماه رمضان می‌خواندند؛ و از آن با عنوان دعای مباحله یا دعای عظیم الشان هم نام برده‌اند. چون در زمان نگارش آن آیت‌الله شاه‌آبادی مقیم قم بوده‌اند، چند جا از وی ذکری به میان آورده شده است. همچنین در این نوشتار از اسرار الصلوة میرزا جواد ملکی تبریزی، شرح اسماء الحسنی سبزواری، قبسات میرداماد، اسفار ملاصدرا، کتب فیض کاشانی، فتوحات مکیه و شرح فصوص قیصری مطالبی نقل شده است. امام درباره انگیزه تألیف آن می‌فرماید: «چنین گوید فقیر درگاه پروردگار عظیم، و مفتخر به انتساب به رسول کریم، سیدروح‌الله فرزند سید مصطفی موسوی خمینی، از آن جایی که یکی از بزرگترین نعمتها بر بندگان و رحمت گسترده بر شهرها دعاهایی است که از گنجینه‌های وحی... نقل شده و من دیدم که دعاهایی که مشهور است و به نام دعای مباحله نامیده می‌شود... از دعاهایی است که قدرش جلیل‌تر و منزلتش رفیع‌تر است... پس خواستم که آن را از بعضی جهات... شرح کنم.»

در این شرح، که به سال ۱۳۴۷ ق و در حالی که مؤلف ۲۷ سال داشته به نگارش در آمده است، ضمن تفسیر دعا، به آیات و روایات استناد می‌گردد. در مواردی نیز از آرای فلاسفه و عرفا استفاده می‌شود و بسیاری از امهات مسائل عرفانی، حکمی و کلامی مورد بحث قرار می‌گیرد. این کتاب با اجازه حضرت امام به دست آیت‌الله سیداحمد فهری زنجانی به فارسی ترجمه شده و به نام شرح دعای سحر در سال ۱۳۶۶ ش به زیور طبع آراسته شده است. گفتنی است که امام پس از ارتحال آیت‌الله حائری، کتاب عبقات الانوار را تصحیح کرد، که ابتدا جلد مربوط به غدیر را انتشار داد.

ب) اصول

۶. انوار الهدایة فی التعلیقة علی الکفایة: تعلیقاتی است بر کفایة الاصول آخوند خراسانی که متن درسی حوزه‌های علمیه است؛ و شیخ آقابزرگ تهرانی در کتاب الذریعة الی تصانیف الشیعة (۲۸۵/۲۶) از آن یاد می‌کند؛ و محمد شریف رازی می‌نویسد: «این حاشیه از بحث قطع تا استصحاب است؛ و در جای دیگر خواننده‌ام که تاریخ پایان تألیف آن ۱۳۶۸ ق / ۱۳۲۸ ش است.» این کتاب در سال ۱۳۷۲ ش در دو جلد، و به همت مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام

خمینی به چاپ رسیده است.

۷. رساله فی قاعدة لا ضرر: این اثر و چهار رساله دیگر که حاوی مباحث مهم اصول فقه است، به قلم مبارک حضرت امام نگاشته یافته، ولی گردآوری آنها در یک مجموعه و نوشتن مقدمه را شیخ مجتبی تهرانی (از شاگردان ایشان) در سال ۱۳۸۴ ق با کسب اجازه از استاد خود انجام داده، و نام الرسائل را برای آن برگزیده است. نخستین رساله را امام در روز چهارشنبه، اول جمادی‌الاول ۱۳۶۸، در ۴۸ سالگی به پایان رسانده، که به نام بدایع الدرر فی قاعدة نفی الضرر چاپ شده است.

۸. رساله الاستصحاب: این رساله طولانی‌ترین اثر از مجموعه الرسائل است که در آن مهمترین آرای اصولیون، به ویژه نظریات حاج شیخ عبدالکریم حائری، استاد حضرت امام، با تفصیل بیشتر نقل شده است. امام این رساله را در نهم رمضان ۱۳۹۰ در شهر محلات به رشته تحریر در آورده است.

۹. رساله فی التعادل و التراجیح: در این رساله، که تاریخ فراغت از تألیفش نهم جمادی‌الاول ۱۳۷۰ است، موقف فقیه در قبال تعارض ادله و شیوه حل آن و ملاکهای ترجیح یکی بر دیگری مورد بحث قرار گرفته است.^۲

۱۰. رساله الاجتهاد و التقليد: در این رساله به بحث درباره اجتهاد و تقلید پرداخته شده، و درباره ولایت فقیه نیز مطالبی مطرح گردیده، که عنوان نخستین فصل آن «فی ذکر شئون الفقیه» است. بحثهای امام در این باره به دست آیت‌الله سبحانی تقریر گردیده، و با عنوان رساله فی الاجتهاد و التقليد چاپ شده است. باید توجه داشت که از اشتراک این دو عنوان گمان نشود که هر دو یک رساله هستند؛ چنان که این مطلب درباره قاعدة لا ضرر نیز صدق می‌کند.^۳

۱۱. رساله فی التقیة: نگارش این کتاب در ۲۷ شعبان ۱۳۷۳ پایان یافته است. در این رساله ثابت شده است که وجوب تقیه برای حفظ دین است، نه برای محو آن. مؤلف در ابتدای این رساله فرموده است: «از آن جا که بحث دوره فقه ما به برخی از فروع مبحث تقیه رسید، تصمیم گرفتم تا رساله‌ای مستقل در این زمینه تدوین کنم که در بردارنده مبحث ریز و پراکنده آن باشد.» اثر مذکور در الرسائل به سال ۱۳۸۵ ق به چاپ رسیده است.

۱۲. رساله فی الطلب و الارادة: بحث طلب و اراده از مباحث

۱. آینه پژوهش، شماره ۵۸، ص ۱۷۵.

۲. آن موج آرام، ص ۴۵.

۳. همان.

میراث شهاب

که به نام تهذیب الاصول منتشر شده است.^۴ آیت‌الله حسین تقوی اشتهاردی نیز بین سالهای ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۸ ش یک دوره درسهای خارج اصول امام را که در قم تدریس شده، به رشته تحریر درآورده و آن را تنقیح الاصول نامیده است.^۵

ج) فقه

۱۶. کتاب الطهارة: این کتاب در چهار مجلد بین سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۷ ق تألیف شده است: جلد اول، دماه ثلاثه، پایان تألیف: ۲۲ ربیع الاول ۱۳۷۶؛ جلد دوم، تیمم، پایان تألیف: یازدهم شعبان ۱۳۷۶؛ جلد سوم، اقسام نجاسات، پایان تألیف: ۱۳۷۷ ق؛ جلد چهارم، احکام نجاسات، پایان تألیف: ۱۳۷۷ ق.^۶

حجت‌الاسلام علی اکبر مسعودی می‌گوید: «به امام عرض کردم اجازه دهید جلد اول (دماه ثلاثه) را چاپ کنیم؛ فرمودند: به من ارتباطی ندارد. و چون تقاضای پول برای نشر آن کردم، فرمودند: نه خیر، پول این چنینی ندارم. سرانجام از آیت‌الله پسندیده پنج هزار تومان قرض کردم و آن را به طبع سپردم؛ و چون به آقاگفتم برای نشر این اثر به اخوی مقروض هستم، لطفاً قرضم را ادا کنید، فرمودند: چنین پولی ندارم. پس از چاپ، کتاب را خدمتشان آوردم و گفتم حالاً که منتشر شده و بهای آن را پرداخت نموده‌ام اجازه می‌دهید در منزل شما به آقایان بدهم. فرمودند: نه خیر، نباید به خانه من بیاورید. در این گیرودار، ساواک به چاپخانه ریخت و تمامی کتابها را مصادره کرد، که بعد از انقلاب دوباره آنها را یافتیم و کتاب دماه ثلاثه را به خانه ایشان بردم و بخش کردم.»^۷

۱۷. المکاسب المحرمة: تألیف جلد اول آن پس از سال ۱۳۷۷ ق پایان یافته است؛ و جلد دوم در هشتم جمادی‌الاول سال ۱۳۸۰. این کتاب به بحث درباره کسبهای حرام پرداخته، و در بحث «غنا» بخشی از رساله الروضة الغناء فی تحقیق مسألة الغناء، اثر آیت‌الله شیخ محمدرضا اصفهانی را نقل کرده است.^۸ در این کتاب درباره حرمت نقاشی، مجسمه‌سازی و غنا نکات بدیعی ابراز شده است. آقای

حاشیه‌ای علم اصول است که متأخران این رشته از دانش دینی به آن پرداخته‌اند. انگیزه تألیف این رساله، تبیین یک مسئله اصولی بوده است، ولی مطالب فلسفی و عرفانی هم در آن به چشم می‌خورد. اثر مزبور از یک مقدمه و شش مطلب تشکیل شده است. امام در مقدمه آن می‌نویسد:

«پس از حمد و سپاس، بحث و بررسی ما که در اصول فقه داشتیم، چون به مسئله طلب و اراده رسید و رشته سخن به جبر و تفویض کشیده می‌شد، تصمیم داشتیم که بحث در این مسئله را ترک گویم؛ تا کسانی که صلاحیت چنین بحثی را دارند در جای مناسب به بحث و بررسی آن پردازند، زیرا ادای حق این مسئله، آن چنان که شاید و باید، در این شرایط برای ما امکان نداشت، که مقدماتش بسیار و مطالبش باریک و از افق فهم بیشتران دور است، ولی اصرار بعضی از علاقه‌مندان و حریصان بر تهذیب این‌گونه مباحث، مرا به ناچار بر آن داشت که به گوشه‌هایی از مسئله، تا آن‌جا که مناسب این جاست، متعرض شوم؛ و بر آنچه مقتضای تحقیق و نتیجه برهان است اشارتی کنم؛ بدون آن که در بیشتر موارد به بیان برهان پردازم، که جای بیان آن برهانها علم اعلاست و در حکمت عالیه است که این‌گونه مباحث، بحث و بررسی کامل می‌شود؛ و از طرفی دیدم که با این وصف نیز دامنه سخن در این مسئله به درازا کشید، آن را از میان مباحث جدا کردم و خود به تنهایی رساله‌ای شد شامل بر یک دیباچه و چند مطلب.»^۱

تألیف این رساله در ۲۵ رمضان ۱۳۷۱ / یازدهم اردیبهشت ۱۳۳۱ در همدان پایان یافته، که با ترجمه و شرح فارسی سید احمد فهری، به همت مرکز انتشارات علمی و فرهنگی چاپ شده است.

۱۳. منهاج الوصول الی علم الاصول: کتابی است در مباحث الفاظ علم اصول، که پس از سال ۱۳۷۰ ق تألیف شده؛ و در سال ۱۳۷۳ ش در دو جلد، با تعلیقات و فهرست راهنما و مقدمه‌ای از آیت‌الله فاضل لنکرانی به چاپ رسیده است.

۱۴. تقریبات اصولیه: این کتاب، تقریرات درس اصول آیت‌الله بروجردی است، که به قلم امام خمینی تحریر شده است. اثر یادشده از آغاز تعریف و موضوع علم اصول تا مباحث قطع و ظن را در بر می‌گیرد. حضرت آیت‌الله سبحانی گفته است: «امام خمینی - رضوان الله علیه - تقریرات استادش را از آغاز مباحث تا حجیت منطقه به نگارش در آورده‌اند.»^۲

۱۵. رساله در موضوع علم اصول: کتابی است در اصول فقه، و در برخی منابع از تألیفات حضرت امام خمینی بر شمرده شده است.^۳ همچنین دوره درس اصول امام به قلم آیت‌الله سبحانی تقریر شده

۱. امام خمینی، طلب و اراده، ترجمه و شرح سید احمد فهری، ص ۹-۱۰.

۲. کیهان اندیشه، شماره ۲۹، ص ۱۵۵.

۳. همان.

۴. پایه پای آفتاب، ۶۸/۴.

۵. مجله حضور، شماره ۲۰، ص ۲۸۵.

۶. کیهان اندیشه، شماره ۲۹، ص ۱۵۲.

۷. پایه پای آفتاب، ۱۵۵/۴.

۸. آینه پژوهش، شماره ۵۸، ص ۲۰۷.

مجتبی تهرانی این اثر را تصحیح نموده و با اهتمام وافر به استخراج احادیث و نقل قولها و یافتن نام ناقلان و ذکر دیگر ارجاعات مبادرت کرده است.^۱

چاپ کتاب مکاسب محرمة به کوشش یکی از شاگردان امام صورت گرفت؛ و چون در آخر کتاب اسم نویسنده نیامده بود، از ایشان خواستند نام خویش را در خاتمه این اثر بیاورند. امام فرمودند: لازم نیست. سرانجام به آقا گفته شد: لا اقل مرقوم بفرمایید که اگر کسانی اشکالاتی دارند به چه کسی ایراد بگیرند و معلوم باشد که مطالب از آن کیست. در این حال فرمودند: در این صورت می نویسم.^۲

۱۸. کتاب البیع: این اثر حاصل بحثهای امام در حوزه نجف طی سالهای ۱۳۸۵ - ۱۳۹۲ ق است و در پنج جلد به چاپ رسیده است. ایشان در بخشی از این کتاب حدود اختیارات ولی فقیه را بیان می‌دارد، که به دلیل اهمیت زیاد به فارسی ترجمه شده و با عنوان شئون و اختیارات ولی فقیه به چاپ رسیده است.

آیت‌الله قدیری نیز تقریرات بیع حضرت امام را به رشته تحریر در آورده است.

۱۹. تحریر الوسیله: امام در مقدمه این اثر می‌نویسد:

«در گذشته کتاب وسیله النجاة، تألیف سیدالحجة فقیه اصفهانی را حاشیه کردم؛ و آن‌گاه که در اواخر جمادی‌الثانی ۱۳۸۳ به دنبال حوادث دردناکی که به اسلام و مسلمین وارد آمد - که شاید تاریخ آن را ثبت کند - به بورسا (از شهرهای ترکیه) تبعید شدم، و در آن‌جا تحت نظر و مراقبت فارغ‌البال بودم، در مقام آن برآمدم که آن حاشیه را به صورت متن مستقلی در آوردم تا استفاده از آن آسانتر باشد؛ و اگر خداوند به من توفیق داد، مسائل مورد نیاز را بر آن می‌افزایم»^۳

وقتی تحریر الوسیله برای اولین بار در نجف چاپ شد، روی جلد آن عناوینی چون علامه، آیت‌الله العظمی فی الارضین، زعیم الحوزات العلمیه و... نوشته شده بود. امام به محض آن‌که این تعبیرات را دیدند، دستور دادند آنها را پاک کنید. دست‌اندرکاران گفتند: چاپ شده و محو آن مشکل است، ولی نتوانستند امام را راضی کنند. آقا فرمودند: مخارج پاک کردن این عبارات را می‌دهم. تا این حد امام اخلاص داشتند که برای چاپ و ترویج رساله پول نمی‌دادند، اما برای پاک کردن این عناوین از روی تحریر الوسیله از وجوه شرعی مصرف می‌کردند که مبادا تعریضی به دیگر مراجع باشد.^۴

امام در این کتاب مسائل ارزنده و زندگی‌سازی را مطرح کرده و در کنار مسائل عبادی آورده است، که برخی از آنها عبارت‌اند از: امر به معروف و نهی از منکر، نماز جمعه و مزایای سیاسی و اجتماعی آن، دفاع، که از مسائل مهم و حیاتی اسلام است، مسائل نوظهوری

که در دنیای امروز روی می‌دهد.^۵

این اثر دوبار به فارسی برگردانیده شده است: یک بار به کوشش آقای سید محمدباقر موسوی همدانی، و بار دیگر به دست آقای قاضی‌زاده و آقای اسلامی. مستند تحریر الوسیله کتابی است که آقای احمد مطهری آن را تدوین کرده، و آقای هاشم نوری به ترجمه آن همت گمارده است.^۶ حضرت آیت‌الله فاضل لنکرانی شرحی در چهارده جلد به تحریر الوسیله نوشته است.^۷ آیت‌الله عمید زنجانی این کتاب را خلاصه کرده، که با عنوان زبدة الاحکام چاپ شده است.^۸ همچنین حجت‌الاسلام سیفی مازندرانی شرحی نوشته که دو جلد از آن با عنوان دلیل تحریر الوسیله چاپ شده است.^۹ رساله نونین نیز در چهار مجلد به چاپ رسیده، که در بردارنده ترجمه بخشهایی از تحریر الوسیله به همراه توضیحاتی از دکتر عبدالکریم بی‌آزار شیرازی است. آیات عظام: یوسف صانعی، محمد مؤمن قمی، محمدحسن احمدی فقیه یزدی، حاج شیخ احمد سبط‌الشیخ، سید نورالدین شریعتمدار جزایری و حاج شیخ زین‌العابدین احمدی زنجانی نیز بر این کتاب شرح نوشته‌اند.

۲۰. توضیح المسائل: این رساله در دوران طاغوت از آثار ممنوع به شمار می‌آمد. از این رو، گاه بی‌نام و در مواقعی با نام مراجع دیگر انتشار می‌یافت. در پایان برخی از چاپهای آن، پاره‌ای از استفتانات حضرت امام که جنبه عمومی دارد به چاپ رسیده است. البته استفتانات ایشان در دو جلد مستقل نیز به طبع رسیده است. همچنین مسائل مستحدثه ذکر شده در تحریر الوسیله به فارسی برگردانده شده و در کنار مسائل دیگری چون دفاع، امر به معروف و نهی از منکر در پایان توضیح المسائل با نام ملحقات، و نیز به طور مستقل، چاپ شده است.

۲۱. حاشیه توضیح المسائل آیت‌الله بروجردی: این حاشیه پس از وفات آیت‌الله بروجردی در سال ۱۳۸۱ ق در قم منتشر شد. در دوران طاغوت این حواشی و نیز حاشیه امام بر عروة الوثقی با نام «خ» منتشر می‌گشت.

۱. آن موج آرام، ص ۴۲.

۲. پایه پای آفتاب، ۱۵۷/۴.

۳. ر. ک: مقدمه کتاب تحریر الوسیله.

۴. پایه پای آفتاب، ۹۸-۹۷/۲؛ ۷۰/۳.

۵. از تبعید تا پیروزی، ص ۱۵-۱۶.

۶. آن موج آرام، ص ۴۳.

۷. مجله حضور، شماره اول، ص ۲۵.

۸. پایه پای آفتاب، ۳۸۴.

۹. مجله حضور، شماره ۲۰، ص ۲۸۷.

بیان داشته‌اند و بعد به قلم مبارک خود تحریر نموده‌اند.
 ۳۲. رساله فی قاعدة من ملک: مؤلف کتاب آثار الحجة، محمد شریف رازی، از این اثر یاد کرده، و آن را از تألیفات حضرت امام دانسته است. گفته می‌شود که این رساله در صد صفحه به همت مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی در آستانه نشر است.

(د) حکمت نظری و عملی و عرفان

۳۳. حاشیه بر اسفار: آیت‌الله محمدی گیلانی می‌گوید: از امام سؤال کردم که آیا حاشیه بر اسفار دارید؟ فرمودند: جداگانه نه، ولی به هنگام تدریس اسفار، در حاشیه آن نظراتم را می‌نوشتم. چون عوامل ساواک به منزلت هجوم آوردند، آثار علمی، از جمله اسفار محشی را به غارت بردند.^۲ مطابق گفته یکی از شاگردان امام، ایشان در حاشیه اسفار به یکی از نظرات ملاصدرا انتقاد نموده و آن را مردود دانسته است.^۳ البته حضرت امام از مدرسان مسلط بر تدریس اسفار بوده‌اند؛ و بعید نیست که بر این اثر تعلیقاتی نگاشته باشند، اما تا شواهد قویتری یافت نشود، نمی‌توان این اثر را به طور قطع به امام منسوب نمود.^۴
 گفتنی است که بخشی از مجموعه تقریرات دروس فلسفه حضرت امام خمینی، که به قلم حجت‌الاسلام عبدالغنی موسوی نگارش یافته، در اختیار مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قرار گرفته است تا پس از تنظیم و مقابله و استخراج منابع، در چندین مجلد انتشار یابد.

۳۴. مصباح الهدایة الی الخلافة والولاية: به نظر می‌رسد این کتاب نخستین تألیف حضرت امام است؛ و تاریخ نگارش آن به ۲۷ سالگی باز می‌گردد؛ چنان که مرحوم حاج سید احمد خمینی بر این نکته تأکید نموده است.^۵ البته آیت‌الله سبحانی خاطر نشان نموده است: نخستین کتابی که امام نوشتند، شرح دعای سحر بود، که تاریخ نگارش آن ۱۳۴۷ ق است؛ و در همان سال با دختر مرحوم آیت‌الله ثقفی ازدواج کردند. استاد سبحانی از کتاب مصباح الهدایة نیز نام می‌برد و آن را نشانه شکوفایی عرفانی حضرت امام می‌داند.^۶

۲۲. حاشیه بر عروة الوثقی: تاریخ تألیف آن هفتم جمادی الاول ۱۳۷۵ است، که جداگانه و نیز همراه با عروة الوثقی مکرر چاپ شده است.

۲۳. تعلیقة علی وسیلة النجاة: حاشیه‌ای است بر کتاب وسیلة النجاة سیدابوالحسن اصفهانی، که تاریخ تألیف آن مشخص نیست. چاپ نخست آن به صورت مستقل، ولی چاپهای بعدی همراه با وسیلة النجاة به طبع رسیده است.

۲۴. مناسک حج: این کتاب در بردارنده احکام حج و آداب آن، و به زبان فارسی است. این رساله بارها در ایران و عراق به چاپ رسیده و به زبان عربی و اردو نیز ترجمه شده است. چاپ ششم آن در سال ۱۳۷۶ ش همراه با ترجمه مسائل حج از تحریر الوسیله و ۵۵۰ استفتا چاپ شده است.

۲۵. رساله فی حجیة خبر اصحاب الاصول و الکتب: این رساله درباره قاعده اجماع و تفاوت اصل و کتاب و... بحث کرده و ضمن جلد سوم کتاب الطهارة چاپ شده است.

۲۶. رساله فی بعض فروع العلم الاجمالی: در این رساله حضرت امام خمینی هفت مسئله از مسائل صلوات عروة الوثقی را بررسی کرده است.

۲۷. تقریرات درس آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری: درباره این اثر مراجعه کنید به: مجله معارف جعفری، شماره چهارم، ذی‌القعده ۱۳۸۳.

۲۸. نجات‌العباد: احکام فقهی، به زبان فارسی، و در دو جلد است: جلد اول شامل مباحث تقلید تا احکام عمره؛ جلد دوم احکام معاملات تا احکام طلاق.

۲۹. حاشیه رساله ارث: حاج ملاهاشم خراسانی، صاحب کتاب منتخب التواریخ، رساله‌ای در ارث به زبان فارسی نوشته، که همراه با حاشیه برخی مراجع تقلید چاپ سنگی شده است. امام خمینی نیز حاشیه‌ای بر آن نگاشته‌اند که با اصل رساله در ۱۲۰ صفحه در قم، پس از رحلت آیت‌الله بروجردی، به طبع رسیده است.

۳۰. رساله فی تعیین الفجر فی الیالی المقمرة: این رساله در ۳۲ صفحه به سال ۱۳۶۷ ش منتشر شده است، که در عین اختصار، از تألیفات ایشان در فقه استدلالی به شمار می‌رود. امام خمینی در این رساله دیدگاه خود را در نحوه مشخص کردن فجر در شبهای مهتابی بیان داشته‌اند.

۳۱. کتاب الخلل فی الصلوة: درباره احکام فقهی خلل در نماز است، که در آخرین سالهای اقامت امام در نجف نوشته شده است. محتوای کتاب، مباحثی است که ایشان در ضمن دروس خارج فقه

۱. ر. ک: آثار الحجة، ۴۵/۲.

۲. مجموعه مقالات و سخنرانیهای کنگره بین‌المللی بررسی ابعادی چند از شخصیت حضرت امام خمینی، تیرماه ۱۳۶۸، ص ۲۹.

۳. کیهان اندیشه، شماره‌های ۱۱ و ۱۸.

۴. آن موج آرام، ص ۵۰.

۵. پایه‌های آفتاب، ۶۰/۱.

۶. همان، ۲۱۹/۳.

برخی منابع، تاریخ خاتمه این نوشتار را ۲۵ شوال ۱۳۴۹ / ۲۴ اسفند ۱۳۰۹ نوشته‌اند. کتاب حاضر از بهترین آثار عرفانی است که به زبان عربی نگاشته شده. آغاز کلام در بیان مرام حدیث مشهور «ما عرفناك حق معرفتك و ما عبدناك حق عبادتك» است؛ و از آثاری چون البوارق المملوکیه و شرح توحید صدوق به قلم قاضی سعید قمی، مفتاح الغیب صدرالدین قونوی، شرح فصوص الحکم قیصری و شرح قصیده ابن فارض ملأعبدالرزاق کاشانی، و در چند مورد عباراتی از استادش، آیت‌الله شاه‌آبادی، نقل می‌کند.

کتاب عرفانی فراوانی درباره انسان کامل و ولایت او نوشته شده، اما غالباً نتوانسته‌اند حقیقت خلافت و ولایت را، که از مهمترین دشوارترین مسائل عرفانی است، به خوبی تحلیل و تفسیر کنند. حضرت امام خمینی در این کتاب حقیقت خلافت و ولایت را چنان بیان کرده که با آیات، روایات و براهین فلسفی کاملاً هماهنگ است. مصباح الهدایة دارای دو مشکات است، که مشکات اول ۵۶ مصباح دارد، و مشکات دوم آن حاوی سه مصباح، و هر کدام دارای چند فصل اند. این کتاب با یک خاتمه پایان می‌یابد. عناوین این اثر، از گرایشهای امام به فلسفه اشراق و تأثیرپذیری او از سهروردی و میرداماد حکایت دارد.

مصباح الهدایة تنها برای کسانی که با ادبیات عرفانی آشنا نیستند، قابل استفاده است؛ چنان که مؤلف در پایان این رساله تأکید کرده است که افراد غیر وارد از مطالعه آن دوری کنند. ایشان در آثاری چون سرالصلوة و تعلیقه بر شرح فصوص، تحقیق مطلب را به این کتاب ارجاع می‌دهد.^۱

۳۵. تعلیقه علی شرح فصوص الحکم: این کتاب تألیف محی‌الدین عربی است، که محمود قیصری آن را شرح نموده است و امام خمینی در مدت هفت سالی که از محضر آیت‌الله شاه‌آبادی استفاده می‌کرده، بر آن تعلیقه زده است. این تعلیقه را امام در حواشی نسخه چاپی شرح فصوص نوشته بودند که به دست عمال شاه غارت شد و پس از انقلاب اسلامی در همدان یافت شد و چاپ گردید. تعلیقات امام بر تمام مقدمه تا فص ۱۹ از ۲۷ فص را شامل می‌شود. ایشان در این اثر بر برخی شرحهای قیصری انتقاد دارد؛ و در مواقعی می‌فرماید: کلام فاضل شارح در کمال سقوط است. در برخی موارد نیز تأکید می‌نماید: معنایی که ما برای کلام شیخ ذکر کردیم، از معنایی که قیصری آورده بهتر است؛ و در واقع اشتباهات شارح را در فهم کلام مؤلف مشخص می‌کند.

۳۶. تعلیقات علی مصباح الانس: کتاب مصباح الانس بین المعقول و المشهود شرح محمد بن حمزه بن محمد فناری بر کتاب مفتاح

الغیب ابوالمعالی محمد است، که به همراه حاشیه فصوص در ۳۲۹ صفحه در سال ۱۳۶۵ ش به دست مؤسسه پاسدار اسلام در قم چاپ شده است. تاریخ پایان این تعلیقات سال ۱۳۱۵ ش در شهرستان خمین است. تعلیقات مزبور یک سوم کتاب مصباح الانس را در برمی‌گیرد و تا باب «کشف السر الکلی و ایضاح الامر الاصلی» را شامل می‌شود. تعلیقه‌های امام بر مصباح الانس اندک است؛ و غالباً در توضیح مطلب آورده شده، و از نقد و اعتراض بر کلمات قونوی یا ابن فناری احتراز گردیده است.

۳۷. سرالصلوة معراج السالکین و صلوة العارفين: این کتاب برای خواص از اهل عرفان به نگارش درآمده و تاریخ پایان تألیف آن ۲۱ ربیع‌الثانی ۱۳۵۸ است. در آغاز اثر مزبور از سرالصلوة شهید ثانی و آیت‌الله شاه‌آبادی یاد می‌شود و مؤلف به شرح اربعین خود ارجاع می‌دهد، که مشخص می‌شود شرح مزبور را قبل از سرالصلوة نوشته‌اند. یک بار این کتاب با اجازه امام در یادنامه شهید مطهری چاپ شد، و طبع دیگرش با تصحیح و تعلیقات سید احمد فهری زنجانی همراه است. سرالصلوة به بیان و تفسیر معراج حقیقی اهل نیاز (نماز) پرداخته و مقامات روحی اولیا را در این سلوک روحانی به رشته تحریر کشیده است. اصل کتاب به فارسی است، که با تعریب و تعلیق سید احمد فهری نیز انتشار یافته است.

۳۸. آداب الصلوة: زمان فراغت از تألیف این اثر، دوم ربیع‌الثانی ۱۳۶۱ است. در این کتاب سوره‌های حمد، توحید و قدر با بیانی عرفانی تفسیر شده، و مانند اسرارالصلوة جنبه‌های باطنی نماز مطمح نظر بوده است. این کتاب در بردارنده یک مقدمه، سه مقاله و یک خاتمه، و هر مقاله شامل چندین فصل است. اثر یادشده با عنوان پرواز در ملکوت به کوشش آیت‌الله احمد فهری در دو جلد به طبع رسیده است؛ و در سال ۱۳۶۷ ش مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی چاپ پنجم آن را انتشار داده است. این کتاب به زبانهای عربی، اردو، انگلیسی و فرانسه نیز ترجمه شده است.^۲ آداب الصلوة از آخرین آثار عرفانی امام، و عالیتر از دیگر کتب عرفانی ایشان است. مؤلف این کتاب را برای عموم نوشته، اما هرگز سطح مطالب را تنزل نداده، بلکه به سادگی بیان افزوده است.^۳

۳۹. مبارزه با نفس (جهاد اکبر): شامل درسهای امام درباره لزوم تهذیب نفس است که در نجف ایراد شده. این کتاب نخست همراه با

۱. آن موج آرام، ص ۴۸؛ آینه پژوهش، شماره ۵۸، ص ۱۹۹؛ کیهان اندیشه، شماره ۲۹، ص ۱۴۶.
 ۲. آینه پژوهش، شماره ۵۸، ص ۱۷۸.
 ۳. پایه‌های آفتاب، ۱۴۵/۳.

آیت‌الله طالقانی رحمته‌الله، و آیت‌الله سیدحسین بُدْلا تشکیلات مذهبی برای خود داشتند که منجر به تأسیس مجله‌ای به نام همایون شد، که شخصی به نام همایون مسئول امور مالی، و حکمی‌زاده صاحب امتیاز آن بود. به رغم آن که این نشریه هیئت تحریریه داشت و بایست مطالب آن مورد تأیید این مجموعه قرار می‌گرفت، گاه حکمی‌زاده مطالب نادرستی در آن درج می‌کرد. این امر سبب شد که دیگران کناره‌گیری کنند. در نتیجه، این مجله بیش از یک سال دوام نیاورد.

حکمی‌زاده با تهران ارتباط برقرار کرد و در جلساتی که در منزل حاج عباسقلی بازرگان تشکیل می‌گردید، حضور می‌یافت. در آن‌جا حکمی‌زاده با احمد کسروی آشنا شد. این آشنایی، مقدمه انحراف وی را فراهم کرد. او گاهی کسروی را به قم نیز دعوت می‌کرد. ظاهراً نشریه‌ای با عنوان پیمان انتشار می‌داد که نکات منحرف‌کننده‌ای در آن درج می‌شد. یک بار هم حکمی‌زاده مطالبی را به زبان آورده بود که بوی ارتداد می‌داد. او در هاله‌ای از جمود و تحجر زندگی می‌کرد و خانواده‌اش را تحت فشار قرار می‌داد که کسی با آنان ارتباط برقرار نکند. همچنین به اعمال و رفتار خود آن‌قدر تقید داشت که ریگ زیر زبانش می‌گذاشت تا بدون فکر حرف نزند و دچار سخنان لغو نشود. این‌گونه آدمی، یکباره متحول شد و از قم به تهران انتقال یافت، و نه تنها از آن تقیدها دست برداشت، بلکه بسیاری از باورهای دینی را به باد انتقاد گرفت.^۲

پس از هجوم متفقین به ایران و شکستن سد اختناق و پدید آمدن آزادی قلم، درست در هنگامی که حکومت مرکزی هم ضعیف بود و در شمال و شمال غربی ایران افراد کمونیست سخت مشغول فعالیت بودند، به سال ۱۳۲۲ ش حکمی‌زاده به کمک دشمن برخاست و برای ایجاد تشنج در کشور و تضعیف عقاید مردم کتابی به نام اسرار هزارساله نوشت که مطالب آن در رد اعتقادات تشیع و ترویج مسلک وهابیت بود. او از روی غفلت و جهالت و برخی عقده‌هایی که داشت، در خدمت اجانب قرار گرفت و خواست مذهب تشیع را زیر سؤال ببرد و به تدریج مردم را از آن جدا کند. وی در این کتاب با طرح پرسشهایی، معتقدات شیعیان را خرافه پنداشت و از تشکیلات روحانیت انتقاد نمود. حکمی‌زاده به باورهایی چون توسل، سجده بر تربت، ساختن گنبد بر مرقد امامان و احکام فقهی حمله کرد؛ و سراسر مطالب آن تبلیغ علیه مبانی تشیع و روحانیت

کتاب ولایت فقیه امام چاپ گردید. سپس به صورت مستقل در سال ۱۳۹۲ ق انتشار یافت. حجت‌الاسلام سید حمید روحانی می‌گوید: وقتی این کتاب را تنظیم می‌کردم، به مناسبت فرمایشی که امام در بحث اخلاقی خود کرده بود، یک بیت شعر در پاورقی آوردم. فرمایش امام این بود:

«بسیاری دنیا را با همان دید محدود خود می‌نگرند؛ و دنیایشان همان دنیای مادیت است. بینش این افراد جولان ندارد تا فراتر از دنیای مادی را بنگرند.» شعری که به این مناسبت نوشتم چنین بود:

چو کرمی که میان سیب نهان است

زمین و آسمان او همان است
کتاب را پس از تنظیم و قبل از چاپ خدمت آقا فرستادم. پس از ملاحظه و مطالعه نوشته بودند: وزن شعر صحیح نیست، مگر آن که به این صورت بیاورید:

چو کرمی که میان به نهان است زمین و آسمان او همان است^۱
۴۰. جلوه‌های رحمانی: نامه‌ای است عرفانی از حضرت امام خمینی به حجت‌الاسلام حاج سیداحمد خمینی، که معاونت فرهنگی - هنری بنیاد شهید انقلاب اسلامی آن را در سال ۱۳۷۱ ش چاپ کرده است.

۴۱. ره عشق: نامه‌ای است اخلاقی از حضرت امام به بانو فاطمه طباطبایی، همسر حاج سید احمد خمینی، که همراه با فهرست و توضیحات به چاپ رسیده است.

ه) کلام و عقاید

۴۲. کشف اسرار: یکی از ویژگیهای حضرت امام، غیرت دینی فوق‌العاده ایشان بود. در زمان اختناق که گاهی در برخی از جرایم به اسلام و مسلمین اهانت می‌شد، سخت برمی‌آشفتم؛ و این‌گونه نبود که در برابر هجوم به معتقدات و ارزشها خاموش بماند و کسانی به بهانه‌های واهی و تحت القانات عوامل بیگانه باورها را نشانه بگیرند و دیانت مردم را مورد استهزا قرار دهند. ماجرایی که در پی نقل می‌شود، گواه روشن این مدعاست.

آقا شیخ مهدی پایین شهری از شخصیت‌های اول علمی قم محسوب می‌شد که با شیخ عبدالکریم حائری رحمته‌الله در سامرا همدوره بودند؛ و به هنگام مهاجرت وی از اراک به قم، استقبال شایان توجهی از او کرد. وی فرزندی به نام علی اکبر حکمی‌زاده داشت که روحانی بود و گاهی در مدرسه رضویه، که جنبه مرکزی داشت، منبر می‌رفت. پدرش متصدی این مدرسه بود. حکمی‌زاده و دایی وی،

۱. کیهان اندیشه، شماره ۲۹، ص ۱۶۶؛ مجله حوزه، شماره ۳۳ و ۴۴.

۲. آینده پژوهش، شماره ۵۸، ص ۲۱۱.

بود.^۱ او در این کتاب از اندیشه‌های کسروی و موهومات وهابیان الهام گرفت.

انتشار این کتاب فریاد اعتراض بسیاری را در محافل دینی، خصوصاً حوزه‌های علمیه، برانگیخت. از نظر بسیاری از علما این برنامه به مفهوم رسوخ اندیشه‌های کسروی به درون مراکز آموزش علوم دینی بود که احتمال می‌رفت بدینی و انحراف فکری بزرگ در میان طلاب جوان پدید آورد. و این که نویسنده کتاب فرزند یکی از علمای بزرگ قم بود و خودش نیز سابقه طلبگی داشت، حساسیت این حرکت را بیشتر می‌کرد.^۲

در اعتراض به این کتاب، افراد زیادی درصدد پاسخگویی برآمدند. برخی جوابها خود موجب تشنت افکار شد، لذا بر آن شدند از سوی حوزه جواب مناسبی تهیه شود و پاسخهای متعدد دیگر جمع‌آوری گردد.

یکی از کسانی که در مقام پاسخ کتابی نوشته بود و برای چاپ به قم ارسال نمود، حاج شیخ محمد خالصی، فرزند آیت‌الله شیخ مهدی خالصی (از مراجع نجف) بود که در کاشان در تبعید به سر می‌برد. حوزه علمیه با ایشان هم تماس گرفت و تأکید نمود که از چاپ کتابش جلوگیری خواهد کرد، زیرا اثرش خالی از نقد نبود. یکی از حوزویان نزد ایشان رفت و او را در این باره متقاعد ساخت و تأکید نمود که بناست در حوزه یک نوشته در مقابل کتاب اسرار هزارساله تهیه شود و بقیه جمع‌آوری گردد؛ تا این پراکندگی از بین برود. او هم که به وحدت جامعه پایبند بود، تصمیم مزبور را پذیرفت و پسندید و موارد نقص کتابش را نیز قبول کرد.^۳

افراد متدین و مبلغان اسلامی، که نگران اوضاع بودند، چشم امید به حوزه دوختند که پاسخی مناسب، مستدل و قانع‌کننده نوشته و منتشر شود. حضرت امام خمینی رحمته‌الله‌علیه، که در آن ایام جلسات درس اخلاق داشت، روزی در مسیر راه خود به مدرسه فیضیه، متوجه تجمع و غوغای برخی از طلبه‌ها بر سر کتاب اسرار هزار ساله گردید. از این رو، پس از تهیه و مطالعه کتاب، درس خود را تعطیل نمود و در مدت حدود چهل روز کتاب کشف اسرار را در رد کتاب یاد شده نوشت.^۴

شیوه برخورد امام با این مسئله آن بود که اولاً اجازه ندادند نام ایشان روی جلد کتاب بیاید، که از فروتنی و اخلاص ایشان حکایت داشت؛ ثانیاً برای پرهیز از تشنج نامی از حکمی زاده نیز به میان نیاید و صرفاً به عنوان جوابی منطقی و معقول در برابر آن کتاب باشد. این امر، موجب شد امام در حوزه محبوبیت مضاعف پیدا کند؛ و مقام علمی، معنوی و اخلاقی آن بزرگوار بر همگان ثابت شود.^۵

مدتها بعد، برخی از خواص، و سپس تعداد زیادی از طلاب و روحانیان، نویسنده کشف اسرار را شناختند و فهمیدند این اثر مهمترین و مستدل‌ترین پاسخی بود که به شبهات اسرار هزارساله داده شد؛ و با وجود نگارش آن در فرصتی کوتاه، معرفت وسعت و عمق آگاهیهای فلسفی، کلامی و فقهی امام گشت.

این اثر در زمانی به نگارش درآمد که به دلیل اختناق رژیم پهلوی، سخنرانی و تبلیغ محدود و ممنوع شده بود؛ و جوانان در مقابل این شبهات بی‌دفاع بودند. کتاب کشف اسرار نه تنها در دفاع از عقاید شیعه به رشته تحریر درآمد، بلکه جانمایه اندیشه‌های سیاسی امام را نیز در برداشت.

در این کتاب، از یک سو امام با ذکر دلایل کلامی، فقهی، تاریخی و سیاسی به انتقاد از حکومت استبدادی رضاخان و ساختار حکومتی به جا مانده از او پرداخت؛ و از سوی دیگر، طرحی نواز حکومت اسلامی بر مبنای ولایت فقیه، به عنوان تنها حکومت مطلوب، ارائه داد.^۶

نخستین حرکت امام در جهت احیای تفکر ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی، نگارش کتاب کشف اسرار در سال ۱۳۲۳ ش بود. مدتها به دلیل از بین رفتن تفکر امر به معروف و نهی از منکر در جوامع اسلامی، در مقابل تلاشهایی که برای تخریب و به جمودکشاندن دین صورت می‌گرفت، هیچ‌گونه حرکتی مشاهده نمی‌شد. در همین دوران کتاب اسرار هزارساله برای هتک ارزشهای دینی صورت گرفت. تنها کسی که برای اولین بار در برابر این اقدام قلم مبارزه را به دست گرفت، امام خمینی بود. ایشان با نگارش این کتاب، هم جواب دندان‌شکنی به نویسنده کتاب مزبور داد، و هم اولین حرکت خود را در جهت احیای شروع نمود.^۷ مؤلف در خاتمه کتاب خاطر نشان می‌سازد:

«در پایان سخن از نویسندگان کتابها یا روزنامه‌ها تقاضا می‌شود... با یک شجاعت ادبی و از خودگذشتگی دست به دست [هم] داده، ملت را بیدار کنند و حس دینداران را که در این چند سال خفه کردند، باز در توده زنده کنند تا مورد سوء استفاده دیگران

۱. زندگینامه سیاسی امام خمینی، ص ۱۳۳.

۲. مجله حوزه، شماره ۴۳ و ۴۴؛ پایه پای آفتاب، ۳۰/۱/۲؛ ۱۸۶/۳.

۳. مجله حضور، شماره اول، خرداد ۱۳۷۰، ص ۷؛ کیهان فرهنگی، سال ششم، شماره سوم، ص ۱۲.

۴. پایه پای آفتاب، ۳۰/۱/۲؛ ۷۴-۷۳/۴.

۵. زندگینامه سیاسی امام خمینی، ص ۱۳۴-۱۴۱.

۶. فصلنامه پانزدهم خرداد، تابستان و پاییز ۱۳۷۶، شماره ۲۶-۲۷، ص ۴۱.

۷. کشف اسرار، ص ۳۳۳.

نشوند...^۱

گفتم: اگر فرصتی دارید، با شما کاری دارم. گفت: مانعی ندارد. قرار ملاقات را در کنار حجر اسماعیل گذاشتیم. در آنجا عرض کردم: امام بحث ولایت فقیه را مطرح کرده‌اند؛ و اینک متن از نوار پیاده شده آن در دست من است و احتیاج به تنظیم و نگارش دارد تا برای عموم قابل استفاده باشد. شهید مطهری خیلی شادمان شد و گفت: از طرف من به امام سلام برسانید و بگویید: کار خوب و اقدام به موقعی کرده‌اید. اکنون ما در شرایطی هستیم که باید یک سری نظامات مترقی اسلام را به این نسل جدید ارائه دهیم. این مسائل را اگر فردی چون من مطرح کند، می‌گویند طلبه فاضلی این را گفته، و خیلی مورد توجه واقع نمی‌شود، ولی اگر این مباحث را کسی که در حد مرجعیت است و مقلد دارد مطرح کند، مؤثر واقع می‌شود. من تصمیم داشتم نظامات اسلامی را مطرح کنم؛ و دنبال متنی می‌گشتم که به بهانه شرح آن به این مطالب پردازم؛ مانند کاری که در اصول فلسفه و روش رئالیسم کردم. می‌خواستم تنبیه الامه آیت‌الله نائینی را متن قرار دهم، ولی اکنون که امام بحث ولایت فقیه را مطرح کرده‌اند، بنا دارم که کتاب ایشان را متن قرار دهم. متأسفانه شهید مطهری فرصت نیافت و اجل به ایشان مهلت نداد.^۲

آیت‌الله محمد هادی معرفت گفته است: «وقتی متن درس ولایت فقیه را از نوار پیاده می‌کردند، به منزل ما می‌آوردند و بنده آن را به عربی ترجمه می‌نمودم.» البته ایشان خودش نیز در این مباحث، که توسط امام در نجف ارائه می‌شد، شرکت می‌نمود.^۳

کتاب ولایت فقیه به زبانهای عربی، اردو، آلمانی، روسی، فرانسه، اسپانیولی، آذری کریل و ترکی استانبولی ترجمه شده است.

(و) شعر و ادبیات

حضرت امام خمینی نثری شیوا و خواندنی دارد. نخستین یادداشت ایشان، که در کتابخانه وزیر یزد از سال ۱۳۶۳ ق به یادگار مانده، گواه این مدعاست. پیامها و نوشته‌های آن روح قدسی نیز از استحکام ادبی برخوردارند.

۱. پایه پای آفتاب، ۲۰۴/۳.
۲. سرگذشت‌های ویژه...، ۱۳۰/۱.
۳. پایه پای آفتاب، ۱۸۷/۳.
۴. همان، ص ۲۸۳-۲۸۴.
۵. همان، ۶۹/۱.
۶. همان، ۴۱/۲.
۷. همان، ۱۶۷/۴.
۸. آینه پژوهش، شماره ۵۸، ص ۲۰۸.

آیت‌الله سبحانی می‌گوید: امام فرمودند: کتاب کشف اسرار را در ظرف دوماه با تعطیل کردن درسم نوشتم؛ و یک قلم هم نوشتم. ایشان می‌فرمودند: اسمم را ننوشتم، چون نمی‌خواستم معروف بشوم، ولی عکس آن شد. بعد اضافه کردند: بعد از انتشار کتاب، حکمی زاده برای من پیغام فرستاد و گفت جوابهایی که شما نوشته‌اید بسیار متین است. سپس گفت: من غرض نداشتم از انتشار کتاب جز این که این سؤالات برای مردم مطرح بود و من می‌خواستم کسی مثل شما جواب بدهد.^۲

حاج سیداحمد خمینی رحمته‌الله می‌گوید: خدمت امام عرض کردم: در این کتاب عصبانی هستید؟ فرمودند: در آن موقع نبود که چه اهانت‌هایی به اسلام می‌شد.^۳

امام بر اثر کار زیاد و متراکم برای تألیف این اثر و خستگی نمودن شبهات مطرح شده در کتاب اسرار هزارساله، دچار ناراحتی چشم گردید.

این کتاب را بعدها ساواک از کتابفروشیها جمع کرد و نگه داشتن آن را جرم شمرد و برای مطالعه کنندگان آن مجازات سختی در نظر گرفته بود،^۴ زیرا امام نه تنها در کشف اسرار از اصلاح نظام صحبت نمی‌کنند، بلکه تأکیدشان بر این است که رضاخان باید خلع بشود. و در جایی دیگر از این کتاب آمده است: «رضاخان سوادکوهی که نمی‌فهمد سیاست با سین است یا با صاد.»

امام که همیشه حامی حفظ وحدت مسلمین بودند، بیان نمودن بطلان عقاید و هابیان و خرافاتی را که آنان قائل‌اند، جایز دانستند؛ و بیان مبانی تشیع و استدلال بر حقانیت این مذهب را به طوری که اختلاف برانگیز نباشد، ضروری شمردند. نظراتی که درباره مسائل اسلامی ارائه دادند، گویای آگاهی ایشان به مقتضیات زمان بود.^۵

۴۳. حکومت اسلامی (ولایت فقیه): این کتاب مجموعه سیزده جلسه درس حضرت امام است که در فاصله اول تا بیستم بهمن ۱۳۴۸، در ایام اقامت ایشان در نجف اشرف، ایراد شده است. برخی بحثهای آن اجمالاً در کتاب البیع ایشان آمده است. این اثر زمینه فکری تشکیل حکومت اسلامی را آماده ساخت. افراد مرتجع این نوشته ارزشمند را تهیه می‌کردند و در چاههای نجف یا شط فرات می‌ریختند.^۶

حجت‌الاسلام سید محمود دعایی می‌گوید: وقتی مباحث ولایت فقیه از نوار پیاده شد، در همان سال به مکه مشرف شدم؛ همراه خود متن پیاده شده این درسها را، که به صورت جزوه‌ای درآمده بود، بردم. در آنجا آیت‌الله مطهری را ملاقات کردم و

امام رساله عروض حاج شیخ محمد رضای اصفهانی را استنساخ کرده و با خط زیبای خود دایره‌های آن را با ادوات آن روز ترسیم نموده است.^۱

یکی از ابعاد شخصیت حضرت امام خمینی، که شاید تا پایان عمر ایشان برای مردم ناشناخته ماند، بُعد شاعری ایشان است. حضرت امام در دوران جوانی غزلیات فراوانی سروده بودند و آنها را در دفتری گردآورده بودند که متأسفانه در جریان مسافرت‌های پایایی و یورش ساواک این دفتر مفقود گشت. پس از آن، سروده‌هایی از ایشان در دست بود که برخی به خط خود امام ثبت شده، و تعدادی را نیز همسرگرامی‌شان استنساخ کرده، و در دفترچه‌ای گردآوری شده بود.

عموماً کسی از ذوق شعری امام اطلاعی نداشت؛ تا آن‌که با انتشار غزلی با مطلع: «من به خال لب ای دوست گرفتار شدم / چشم بیمار تو را دیدم و بیمار شدم»، که درونمایه عرفانی عمیقی داشت، شخصیت ادبی امام نمایانده شد. مردم باور نمی‌کردند کسی که می‌گفت: «مسجدها سنگرند؛ سنگرها را حفظ کنید!» چنین بسراید که: «دَرِ میخانه گشاید به رویم شب و روز / که من از مسجد و از مدرسه بیزار شدم.»

در هر حال، این غزل با استقبال شورانگیزی روبه‌رو شد و بسیاری از شاعران و شیف‌تگان امام بدان اقتضا کردند و غزلهای زیادی در جواب «چشم بیمار» سرودند.

آثار ادبی و منظوم امام به این شرح‌اند:

۴۴. سبوی عشق: نخستین اثر منظوم امام است که به همت مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی حدود یک سال پس از رحلت امام به طبع رسید.

۴۵. باده عشق: در این کتاب امام توصیه‌هایی بر کسب علم، تهذیب نفس و اخلاص در عمل بیان فرموده‌اند.

۴۶. محرم راز: شامل تعدادی از غزلیات و رباعیات عرفانی حضرت امام به ضمیمه نامه‌ای از ایشان خطاب به حاج سید احمد خمینی علیه السلام است.

۴۷. نقطه عطف: این اثر حاوی رباعیات عرفانی و ترجیع‌بند بلند و صحیفه‌ای اخلاقی از امام است که خطاب به حاج سید احمد خمینی نگاشته شده است.

۴۸. دیوان اشعار: این دیوان که به همت واحد ادبیات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی منتشر گردیده، با یک دیباچه و سپس یادداشتی از خانم فاطمه طباطبایی آغاز می‌گردد. ظاهراً این دیوان همه اشعار حضرت امام را، که موجود بوده است، در بر می‌گیرد. این

اشعار به ترتیب شامل غزلیات، رباعیات، قصیده‌ها، مستطهان، ترجیع‌بند و قطعات و سروده‌های پراکنده است. حجم عمده‌ای از این اثر به غزلهای امام اختصاص یافته، که نشانه اشتیاق فراوان امام به سرودن غزل است.

امام به سبک سنایی، منوچهری، صائب تبریزی و دیگر استادان ادب پارسی شعر سروده است. غزلیات ایشان از حیث مضامین و دستمایه‌های شعری، بیش از همه، به غزلیات حافظ شیرازی نزدیک و شبیه است.

ز) بیانات، مکاتبات و نامه‌ها

۴۹. وعده دیدار: این اثر در بردارنده ۸۴ نامه حضرت امام به فرزندش حاج سید احمد خمینی است، که بین سالهای ۱۳۴۹ ش تا اواخر عمر مبارکشان نگاشته‌اند.

۵۰. آوای توحید: نامه حضرت امام است به میخائیل گورباچف، که با شرح آیت‌الله جوادی آملی به چاپ رسیده، و به چندین زبان ترجمه شده است.

۵۱. صحیفه نور: حاوی مجموعه سخنرانیها، اعلامیه‌ها و بیانیه‌های امام خمینی از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۶۸ ش است. مجموعه تبیان که تاکنون ۲۲ جلد آن انتشار یافته، سخنان امام را به صورت موضوعی تنظیم کرده است. مجموعه ۲۲ جلدی در جست‌وجوی راه از کلام امام نیز بیانات و اعلامیه‌های امام از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۶۱ ش را به صورت موضوعی تنظیم نموده است.

حاج سید احمد خمینی علیه السلام از سوی امام اجازه یافت تا سخنرانیهای مندرج در صحیفه نور را تلخیص کرده و مناسبها را در پاورقی ذکر نماید. محصول این کار دوره سه جلدی کوثر است که به کوشش مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی انتشار یافته است.

۵۲. منشور روحانیت: حاوی پیام تاریخی و مهم حضرت امام خطاب به روحانیان سراسر کشور است.

۵۳. صحیفه انقلاب: وصیتنامه سیاسی - الهی امام خمینی است که نسخه شفافبخش دردهای جوامع اسلامی و چراغ فروزان آینده کشورهای اسلامی است؛ و شروحن نیز بر آن نگاشته شده است.